

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://doi.org/10.3051/psi.2022.34527.3539>

Investigating the conflicts between handling ta'zir crimes in the courts and the ta'zir organization

Abstract

Ta'zir crimes in Iranian law are crimes punishable by ta'zir, which are defined according to Article 18 of the Islamic Penal Code. However, some of these crimes are more prevalent in society and their social and economic aspects cause that in addition to the courts, the State Penitentiary Organization sometimes deals with them in all stages of crime detection until the trial and sentencing and execution of sentences. Get involved in these crimes. This creates the ground for some conflicts in the duties and proceedings of the relevant cases, as far as it is necessary to confront the legal materials and also to clarify some ambiguities that the basis for entering the case by the courts and How and on what basis is the organization of government penitentiaries? The present article deals with this issue with a descriptive-analytical approach. The results of the discussion show that the legislator separates these two areas by creating clear boundaries in many cases, but specifying the details is based on secondary factors and characteristics that we will try to examine in this paper. Identify. Non-inclusion of criminal record, definitiveness of ta'zir and specialization of the economic aspect in such crimes are the main features of the approach of the ta'zir organization, which is often different from the approach of the courts.

Keywords: criminal offense, courts, government penitentiary organization, degree of crime.

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.345270.3539>

بررسی تعارضات رسیدگی به جرایم تعزیری در محاکم قضایی و سازمان تعزیرات

محسن پورجعفر^۱سید علی جبار گلباغی ماسوله^۲طیبه قدرتی سیاهمزگی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۸

چکیده

جرایم تعزیری در قوانین ایران جرایمی مستوجب مجازات تعزیری اند که بر اساس ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تبیین یافته‌اند. اما برخی از این جرایم ظهور و وفور بیشتری در جامعه داشته و وجه اجتماعی و اقتصادی آنها سبب می‌شود که علاوه بر محاکم قضایی، سازمان تعزیرات حکومتی نیز بعضاً در رسیدگی به آنها در تمامی مراحل کشف جرم تا رسیدگی و صدور حکم و اجرای احکام به این جرایم ورود کنند. همین امر زمینه‌ساز ایجاد برخی تعارضات در وظایف و رسیدگی‌ها به پرونده‌های مربوطه می‌شود تا آنجا که نیاز است با مقابله مواد قانونی و نیز تبیین برخی ابهامات مشخص شود که اساس ورود به پرونده از سوی محاکم قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی چگونه و بر چه مبنایی است. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این مسئله پرداخته است. نتایج بحث نشان می‌دهد که قانونگذار با ایجاد مرزهای مشخص در بسیاری موارد این دو حوزه را تفکیک می‌کند اما مشخص ساختن جزئیات، مبتنی بر عوامل ویژگی‌های ثانویه‌ای است که تلاش خواهیم کرد در این جستار آنها را بررسی و شناسایی نماییم. درج نشدن سابقه کیفری، قطعی بودن تعزیر و تخصصی شدن وجه اقتصادی در اینگونه جرایم از ویژگی‌های اصلی رویکرد سازمان تعزیرات است که غالباً در رویکرد دادگاه‌ها متفاوت است.

واژگان کلیدی: جرم تعزیری، محاکم قضایی، سازمان تعزیرات حکومتی، درجه جرم.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران Mohsen.pourjafar@gmail.com

^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول) Pm.sadra87@gmail.com

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران Ghodrati.t@gmail.com

حقوق ایران در مواد ۱۵ الی ۱۹ قانون مجازات اسلامی سنخ شناسی جرایم را بیان و مجازات کلی پیرامون هر جرم که متعاقباً بدان تعلق می یابد را روشن ساخته است. جرایم تعزیری با ایجاد تفاوت شان از جرایم مستوجب حد و قصاص شامل دسته ای جرایم می شوند که حد و قصاص مشمول آنها نیست. بطور کلی قانون مجازات اسلامی شامل چهار نوع مجازات است: حد، قصاص، دیه، تعزیرات. هر نوع از مجازاتهای مذکور دارای ویژگیهای مختص به خود هستند و به جرایمی اختصاص دارند. بطور مثال مجازات قصاص، با بوجود آمدن شرایطی، مربوط به جنایت علیه نفس میباشد و قسامه بعنوان دلیل اثبات قتل، دلیل اختصاصی مربوط به این جرم است که در هیچ جرم دیگری نمیتوان از آن بعنوان دلیل استفاده کرد. حدود و تعزیرات از جمله مجازات های نامبرده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ میباشد که هم دارای نقطه اشتراکات و هم دارای تفاوتی میباشد. بطور مثال شهادت بر شهادت بعنوان دلیل اثبات جرم، در هیچ یک از مجازاتهای حدود و تعزیرات راه ندارد و فقط در قصاص و دیه میتواند قابل اثبات باشد. در جرایم حدی نوع، میزان، کیفیت اجرای مجازات بصورت دقیق و مقطوع ذکر شده است و در صورت تحقق جرم، هیچ تغییری در میزان مجازات رخ نخواهد داد. اما در مجازات تعزیری با عنایت به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، به قاضی دادگاه کیفری این اختیار داده شده است که از بین حداقل و حداکثر مجازات تعیین شده توسط قانونگذار، میزان مجازاتی را حکم دهد. در تعزیرات اصل جهل به قانون مسموع نیست، حکم فرماست؛ به عبارت دیگر شخص مرتکب نمیتواند ادعا کند که به جرم بودن عمل خود واقف نبوده است؛ اما در حدود این اصل محلی از اعراب ندارد. با توجه به ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، اگر زانی ادعا کند که به حرام بودن رابطه آگاهی نداشته است و احتمال صدق گفتار او داده شود، بدون ارایه هیچ دلیلی ادعای او پذیرفته میشود و مجازات نخواهد شد. اقرار و شهادت از جمله دلایل اثبات جرایم هستند که در حدود و تعزیرات نیز مشترک هستند. اما در برخی موارد میزان آنها در حد و تعزیر متفاوت است. در برخی مجازات حدی مانند زنا و لواط برای اثبات جرم، ۴ بار اقرار لازم است در صورتی که برای اثبات کلیه جرایم تعزیری، ۱ بار اقرار کافی است. یا اینکه برای اثبات زنا و لواط، شهادت ۴ مرد عادل لازم است اما برای اثبات در کلیه جرایم تعزیری، شهادت ۲ مرد کافی به نظر میرسد. اما مسئله زمانی بحرانی می شود که به نهاد کشف جرم و مراجع رسیدگی کننده به آن بپردازیم. مسئله جستار حاضر بررسی صلاحیت محاکم قضایی در قیاس با سازمان تعزیرات حکومتی است که گاه در این میان تداخل ها و تعارضاتی به میان می آید که قابلیت پژوهش علمی را دارد.

روش تحقیق حاضر کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی می باشد.

پیشینه تحقیق

در تحقیق حاضر هرچند برای نخستین بار بر این موضوع در سالهای اخیر و بعد از اصلاحات قوانین کیفری ایران تمرکز شده است؛ اما تحقیقات مشابه و مرتبطی مشاهده شده اند که در اینجا مختصراً گزارش می شوند:

پیشتر از اصلاحات قوانین در ایران، زینالی و احمدی (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان سازمان تعزیرات حکومتی؛ از قضازدایی تا کیفر زدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه دیدگان چنین استنتاج کرده بودند که حقوق دانان و جرم شناسان کشور، اغلب، سازمان تعزیرات حکومتی را از جلوه‌های «قضازدایی» می‌دانند.

اما این قضازدایی، به معنای «کیفرزدایی» نبوده و با وجود انتقال صلاحیت رسیدگی به بسیاری از رفتارهای ممنوعه از نظام کیفری به نظام اداری همچنان ضمانت اجراهای خاص نظام کیفری نظیر حبس، برای برخی رفتارها حفظ شده است. از دیگر سو، کم‌توجهی به اصول دادرسی عادلانه در مقررات رسیدگیهای تعزیراتی، حقوق و آزادیهای متهمان و متخلفان را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد. آیین دادرسی مختصر و ساده تعزیرات حکومتی (مندرج در آیین‌نامه آن) نیز به بزه‌دیدگان در فرایند رسیدگی و صدور حکم چندان توجهی نداشته است. که این امر ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی را نمایان می‌سازد.

عبدلی نسب و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود با مضمون سیاست کیفری و اخلاقی سازمان تعزیرات حکومتی در قبال تخلفات اقتصادی چنین نگاشته اند که سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یکی از مهمترین مراجع شبه قضایی کشور عمدتاً در خصوص اعمالی جرم‌گونه، پاسخهایی کیفرگونه را در مسیری قضاگونه ارائه می‌کند. در تحلیل وضعیت سیاست کیفری و اخلاق‌دراخلی سازمان تعزیرات حکومتی در قبال تخلفات اقتصادی مشخص شد که عمده سیاست‌گذاریهایی معطوف به کنترل و مقابله با تخلفات اقتصادی از سوی سازمان تعزیرات حکومتی در دو بخش خلاصه می‌گردد. اول عرصه‌ی پاسخ‌گذاری کیفری و اقدامات واکنشی و دوم عرصه‌ی پاسخ‌دهی کنش‌یاب سیاست‌گیرانه‌ی سازمان تعزیرات حکومتی بود که هر چند در ابتدای این مسیر است اما مطابق با این سیاست‌گذاریها سازمان با ایجاد بسترهای مناسب در ابعاد مختلف پیشگیری گام‌های عملیاتی خود را آغاز نموده است و در این بخش بیشتر باید اهداف سیاست اخلاقی را مورد توجه قرار دهد.

۲- بحث اصلی

۲-۱ مبانی صلاحیتی

برای دادگاه دو صلاحیت میتوان در نظر گرفت که در زمان اقامه دعوی هر دو صلاحیت در نظر گرفته می‌شود. آنچه تحت عنوان صلاحیت ذاتی دادگاه‌ها مطرح می‌شود از جمله مواردی است که هنگام اقامه دعوی باید به آن توجه نمود. لازم به ذکر است صلاحیت ذاتی از قواعد آمره به حساب می‌آید به این معنا که اصحاب دعوا نمیتوانند برخلاف آن توافق کنند و الزاماً باید قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی را رعایت نمایند. دادگاهی که دعوی در آن اقامه شده اگر خود را صالح نداند، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاهی که صالح تشخیص می‌دهد می‌فرستد. این

دادگاه، چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد (یعنی دادگاه صادر کننده قرار را صالح می‌داند)، اختلاف در صلاحیت محقق شده است. بنابراین دو دادگاه مزبور هیچ یک خود را صالح نمی‌داند این اختلاف نفی در صلاحیت است. در این صورت دادگاهی که پرونده برای او فرستاده می‌شود باید پرونده را به مرجع حل اختلاف بفرستد. مرجع حل اختلاف، خارج از نوبت به موضوع رسیدگی نموده مرجع صالح را تعیین و پرونده را برای رسیدگی به آن مرجع می‌فرستد. رای مرجع حل اختلاف در خصوص تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع می‌باشد. وقتی دعوی یا امر واحدی در دو یا چند مرجع مطرح می‌شود و هر دو یا همگی خود را صالح دانسته و از صدور قرار عدم صلاحیت، علی‌رغم آگاهی از طرح امر در سایر مراجع، خودداری نمایند. در این صورت مراجع رسیدگی کننده به دعوی واحد مکلفند پس از آگاهی مراتب را جهت تعیین مرجع صالح، به مرجع حل اختلاف اعلام نمایند. اصحاب دعوی و وکلاء دادگستری نیز مکلفند مراجع مزبور را آگاه نمایند. دو مرجع حل اختلاف پیش‌بینی شده در قانون، دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشند. در عین حال دیوان عالی کشور در مواردی بی‌آنکه اختلاف در صلاحیت محقق شود، مرجع صالح را تعیین می‌نماید. اما گاه این تداخل در حوزه تعیین مسئولیت و سرفصل‌های رسیدگی به جرایمی است که از قضا مورد رسیدگی به جرایم تعزیری نیز از آن مورد است که می‌توان آن را ذیل صلاحیت محاکم قضایی و دادگاه‌ها قرائت نمود یا آن را متناسب به حوزه صلاحیت محاکم سازمان تعزیرات حکومتی دانست. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسیدگی به تظلمات را دادگستری تعیین نموده است و با این حال مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۳ رسیدگی به تخلفات اقتصادی واحد‌های صنفی و غیرصنفی را به دولت واگذار نموده است. بر این اساس سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک نهاد شبه قضایی در درون دولت شکل گرفت و سپس با مصوباتستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار و سایر اصلاحات قانونی، وظایف و صلاحیت‌های قانونی دیگری به این سازمان واگذار گردید. اگرچه شیوه رسیدگی و صدور رای در کلیت آن با محاکم دادگستری تطابق دارد اما این رسیدگی مورد عمل این سازمان مثلاً در خصوص نحوه صدور قرارهای تامین کیفری، بازداشت موقت و هرآنچه که در حیطه‌ی اختیارات قضایی به شمار می‌آید، ساکت است. وجود یک شعبه‌ی بدوی در هر شهرستان و به مانند محاکم دادگستری، داشتن شعب تجدیدنظر و تجدیدنظر ویژه در مرکز استان و تهران، داشتن حق جلب متهمان، اختیارات وسیع در صدور برخی قرارهای تامین متناسب با محتویات پرونده‌ها از مشابهت‌های قضایی سازمان تعزیرات با محاکم دادگستری می‌باشد. ویژگی‌های رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی از جمله توجه به حقوق قانونی متهم، اصل سرعت در دادرسی، حذف تشریفات اضافی در رسیدگی به پرونده‌ها، حفظ شان انسانی متهم تا حد زیاد و احضار وی از طریق پیامک از سیستم دادرسی تعزیرات حکومتی و صدور برخی قرارهای تامین‌های کیفری به صورت قول شرف، رسیدگی به پرونده‌ها بدون اطاله دادرسی و برخورداری از ضابطه کارشناسان ویژه سبب گردید تا حجم عظیمی از پرونده‌های تخلفات اقتصادی به یک دستگاه دولتی و شبه قضایی محول شود و بخشی از بار سنگین پرونده‌ها از دستگاه قضایی برداشته شود.

یکی از مسی‌رهایی که شاید بتوان تعارض میان دادگاه‌های رسیدگی‌کننده و سازمان تعزیرات حکومتی را به میانجی آن تصریح نمود تبیین درست و علمی مفهوم تعزیر است که اساساً یک اصطلاح فقهی است. اکثر فقهای اسلامی بر این باورند که هرچند در روایات متعددی درباره تعزیر مجرمان، سخن از تازیانه به میان آمده است، اما از دیدگاه شارع اسلام، تعزیر منحصر به تازیانه نیست و حاکم می‌تواند و بلکه در مواردی مکلف است به منظور اعمال مجازات و تأدیب بزهکاران، از واکنش‌های دیگری مانند سلب آزادی، محکومیت مالی، توبیخ و سرزنش نیز بهره‌برد. علامه حلی در این باره نوشته است: «تعزیر در هر جنایتی که حد شرعی ندارد اجرا می‌گردد... و آن عبارت است از زدن، زندان و توبیخ، ولی قطع عضو یا ایجاد جراحت یا گرفتن مال جایز نیست» (علامه حلی، بی‌تا: ۲/۲۳۹). ابن فهد حلی، شارح مختصرالنافع، می‌فرماید: «تعزیر به نظر امام واگذار شده است... و آن ممکن است از طریق زدن، حبس کردن یا توبیخ کردن باشد» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۵/۷۳).

همچنین آیت‌الله شهید سید محمدصادق صدر نیز نوشته است: «و ما هنگامی که دانستیم یکی از معانی تعزیر تأدیب است، پس می‌توانیم آن را به نحو گسترده‌ای توسعه داده و شامل زندان، مجروح کردن، و توبیخ کردن و بسیاری موارد دیگر بدانیم» (صدر، ۱۴۲۰: ۹/۱۱۵). می‌توان قریب به همین مضامین را در کتاب روضه‌المتقین نیز ملاحظه کرد (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۶/۱۶۳). علاوه بر فقیهان امامیه (ر.ک: موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲/۴۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۶۳؛ منتظری، ۱۳۷۹: ۳/۴۷۱)، از آثار عالمان اهل سنت نیز موضوع گستردگی واکنش‌های تعزیری و منحصر نبودن تعزیر به با شلاق به مقدار کم‌تر از حد قابل استفاده است. ابن قدامه، از فقهای مشهور اهل سنت، می‌گوید: «تعزیر با زدن، محبوس کردن و توبیخ کردن محقق می‌گردد» (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۱۰/۳۴۸). شیخ عبدالرحمن جزیری، از دیگر فقهای عامه می‌گوید: «تعزیر همان تأدیب است که مقدار آن به نظر حاکم شرع است و به این منظور اعمال می‌شود که شخصی را که مرتکب حرامی شده است، از تکرار آن باز دارد... تعزیر می‌تواند تنبیه بدنی، زندانی کردن یا توبیخ و سرزنش باشد» (جزیری، ۱۴۰۶: ۵/۳۹۷).

در اصلاحات قانونی سال ۱۳۹۲ باب تعزیر تکرار نشده است اما مستفاد از ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی قدیم، تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌رسد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

ج: اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

د: سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۷۳)

در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی درباره تعریف تعزیر چنین آمده: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد». مقدار تعزیر بستگی به نظر حاکم شرع دارد که به اقتضای زمان و مکان، نوع گناه و مرتکب شونده آن، تفاوت می‌کند، ولی همواره از بالاترین حد شرعی (صد تازیانه) کمتر است. برخی گفته‌اند تعزیر از پایین‌ترین مرتبه حد شرعی (۷۵ تازیانه) نیز باید کمتر باشد. برخی دیگر قائلند تعزیر در جرایمی که با جرایم دارای حد شرعی مانند زنا و قذف، تناسب دارد، باید کمتر از حد آن باشد، مانند بوسیدن یا عملی بجز آمیزش با زن اجنبی که با زنا تناسب دارد یا ناسزاگویی که با قذف تناسب دارد.

فرق "حد" و "تعزیر" آن است که حد مجازات معین و ثابتی است که در شرع مشخص شده، اما تعزیر مجازاتی است که در شرع نیامده و مبنای جرم انگاری آن مصالح و منافع جامعه است، مانند جرایم راهنمایی و رانندگی و جرایم مربوط به تعزیرات حکومتی. ناگفته نماند ردپای برخی جرایم تعزیری در شرع دیده می‌شود، اما با این حال در خصوص نوع یا میزان مجازاتشان حرفی به میان نیامده و تعیین آن به حکومت یعنی قانون گذار جامعه واگذار شده است. از جمله این جرایم که نمونه‌هایشان هم کم نیست کلاهبرداری، رشوه، اختلاس و ... است. ملاک اصلی تعزیر کمتر بودن آن نسبت به حد (۱۰۰ ضربه شلاق) است. برخلاف حد، مقدار و کیفیت تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود و دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد را مورد توجه قرار می‌دهد. در تعزیر، شخصیت، وضع روحی و جسمی مجرم و زمان و مکان دخالت دارد، در صورتی که حد ثابت است و شخصیت مجرم تاثیری در میزان مجازات ندارد. در تعزیر، هدف اصلاح و تأدیب مجرم شرط است؛ اما فلسفه اجرای حد جلوگیری از تکرار جرم و دفاع از مصالح بنیادین جامعه است. تعزیر با توبه ساقط می‌شود؛ اما در حد توبه اثری ندارد مگر اینکه قبل از حضور نزد قاضی باشد. تعزیر قابل تخفیف و تعلیق است؛ اما در حد تخفیف و تعلیق ممنوع است. برخلاف قانون سابق که خبری از درجه بندی تعزیرات نبود قانون جدید آن را به هشت درجه تقسیم کرده است. مجازات‌های درجه یک سنگین‌ترین و مجازات‌های درجه هشت حاوی سبک‌ترین میزان کیفر هستند هر چه از درجه مجازات کم‌تر شود مجازات شدیدتر خواهد بود. مجازات درجه یک شدیدترین حکمی خواهد بود که برای یک مجرم صادر می‌شود.

۲-۳ تبیین از طریق روشن ساختن ماهیت محاکم قضایی

مراجع رسیدگی به تظلمات در کشور ما به دو دسته کلی تقسیم می‌گردد به عبارت دیگر اگر افراد شکایتی از همدیگر یا دولت داشته باشند باید به یکی از این دو مرجع مراجعه کنند بر طبق قوانین این دو مرجع عبارتند از: مرجع قضایی و مراجع غیر قضایی که افراد می‌توانند برای احقاق حقوق خود به آن مراجعه کنند. در واقع دعاوی ممکن است فقط فی مابین مردم نباشد و گاهی مردم از دولت شکایتی داشته باشند به همین دلیل مراجع غیر قضایی به وجود آمدند تا به طور خاص به دعاوی میان دولت و شهروندان رسیدگی کنند و این مراجع خارج از قوه قضاییه تشکیل می‌شوند و زیر نظر قوه مجریه محسوب می‌شوند و متصدیان معمولاً قاضی نمی‌باشند و پروسه رسیدگی

در مراجع غیر قضایی کاملاً با مراجع قضایی متفاوت است به این صورت که مراجع قضایی به شکایت افراد میان افراد رسیدگی می کنند و ماهیت و صلاحیت و نحوه رسیدگی و پروسه آن متفاوت می باشد. افراد در زمانی که دچار اختلاف می شوند باید از این موضوع آگاهی داشته باشند که به چه مرجعی مراجعه کنند و یا به عبارت دیگر مرجع صالح به رسیدگی به دعاوی کجاست. مراجع قضایی مراجعی هستند که به اختلافات میان مردم رسیدگی می کنند به عبارت دیگر اگر میان مردم در خصوص موضوعی اختلاف بشود به این موضوع در مراجع قضایی رسیدگی می کنند مراجع قضایی را با توجه به ویژگی های آن می توان شناخت مراجع قضایی مراجعی هستند که زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می شوند و متصدیان آن قضات و کارکنان قوه قضاییه هستند و به طور خاص می توان آن را دادگاه نامید. به عنوان مثال در ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار این گونه بیان کرده است: " دستوره های مقام قضائی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت آن را به امضای مقام قضائی برساند. ماده ۴۱ این قانون نیز این گونه در خصوص مراجع قضایی بیان می کند که ضابطان دادگستری اختیار اخذ تامین از متهم را ندارند و مقامات قضائی نیز نمی توانند اخذ تامین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تامین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضائی طبق مقررات این قانون اقدام می شود. " همانطور که از دو ماده فوق مشخص است از عنوان مقام قضایی و مراجع قضایی استفاده شده که در واقع بیانگر مرجع رسیدگی کننده به دعوا است و همچنین سایر مواد قانونی نیز از لفظ مقام قضایی و مراجع قضایی استفاده شده است که با توجه به مواد قوانین دیگر از جمله قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین پی به این مطلب می بریم که مراجع قضایی صالح به رسیدگی به دعوی میان افراد هستند اعم از دعاوی کیفری یا دعاوی حقوقی (شمس، ۱۳۹۶: ۱۶۵)

۲-۴ شناسایی تعارض از طریق شناسایی بزه

یکی از راه های اصلی اینکه بتوانیم تعارض میان محاکم رسیدگی در دادگاه ها یا سازمان تعزیرات حکومتی را از هم باز بشناسیم اینست که به خود جرم دقیق شویم. در قوانین و مقررات داخلی چند عنوان عمده در حوزه گران فروشی جرم انگاری شده است که البته در این حوزه دو قانون عمده شامل قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی و قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد و البته با اصلاح قانون نظام صنفی در سال های اخیر مرجع رسیدگی به تخلفات مربوط به بازار در سازمان تعزیرات متمرکز شده است. در همین قانون یکسری از تخلف های صنفی که فروشندگان مرتکب آن می شوند لیست شده است که عبارتند از: گران فروشی؛ کم فروشی؛ تقلب؛ احتکار؛ عرضه خارج از شبکه؛ عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع؛ فروش اجباری؛ عدم درج قیمتو عدم صدور صورتحساب. اما عدم نظارت دستگاه های نظارتی و سودجویی فرصت طلبان از این موقعیت بدست آمده، دلیل عمده گران فروشی کالا و خدمات می باشد که در این راستا عموم جامعه مخصوصاً در

مورد کالا و خدمات ضروری، تحت فشار زیادی قرار می‌گیرند. به ویژه در بعضی از اوقات سال و به مناسبت‌های مختلف، اجناسی که مورد استقبال بیشتری قرار می‌گیرند، بصورت چشم‌گیری افزایش پیدا میکنند که این نمونه بارز ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی می‌باشد. گران‌فروشی عبارت است از عرضه کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخ‌های تعیین‌شده توسط مراجع رسمی بطور علی‌الحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد.

بنابراین برای پدیده گرانفروشی تعریف مشخصی ارائه شده است که هر شخصی که مشمول این تعریف قرار گیرد مشمول مجازات خواهد شد. برای شخصی که مرتکب گران‌فروشی شده است، براساس میزان و تعدد گرانفروشی، برای او مجازات تعیین خواهد شد. بعنوان مثال اگر شخص برای بار ششم گرانفروشی بیش از ۲ هزار تومان تا ۲۰ هزار تومان انجام دهد، محل کسب شخص تعطیل و پروانه کسب او ابطال خواهد شد.

اگر افرادی بطور سازمان‌یافته و زنجیره‌ای اقدام به گران‌فروشی در سطح کلان کشور انجام دهند و موجبات اختلال در نظام اقتصاد کشوری را فراهم کنند، این عمل از تخلف ساده گرانفروشی بالاتر رفته و مرتکب جرم محاربه شده‌اند. در همین باب نیز باید اضافه کرد که صرفنظر از اینکه صدور حکم محکومیت به پرداخت جریمه توسط شعب سازمان تعزیرات حکومتی قانوناً ماهیت مجازات کیفری ندارد و مادام که احکام قطعی صادره از مراجع قضایی و شبه‌قضایی (تعزیرات) به یکی از طرق قانونی نقض نگردیده‌اند، لازم‌الاجرا هستند و اگر عمل متهم هم جنبه‌ی تخلف (گرانفروشی موضوع قانون نظام صنفی) و هم جنبه مجرمانه (فی‌المثل اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی موضوع بند ب ماده ۱ قانون مجازات اختلال‌گران در نظام اقتصادی کشور) دارد، با عنایت به ماده ۲۶ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۷۳ هر دو حکم محکومیت صادره از مراجع قضایی و شبه‌قضایی (تعزیرات) قابل اجراست و صدور حکم محکومیت متهم توسط مراجع قضایی، مانع اجرای مجازات‌های سازمان تعزیرات حکومتی نخواهد بود. دو هیأت بدوی و تجدیدنظر در سازمان تعزیرات حکومتی به تخلفات رسیدگی می‌کنند. طبق قانون، سازمان تعزیرات حکومتی به امور مربوط به تخلفات ناظر بر کالا و خدمات رسیدگی می‌کند اعم از اینکه عنوان آن گران‌فروشی، احتکار، کم‌فروشی، عدم صدور فاکتور و عدم درج قیمت باشد. در حقیقت همه تخلفاتی که در کار تولید، توزیع و فروش کالا و خدمات مطرح است، در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی خواهد بود. سازمان تعزیرات حکومتی مرجع رسیدگی به تخلفات ناظر بر کالا و خدمات است. در ساختار سازمان تعزیرات حکومتی، شعب بدوی و تجدیدنظر وجود دارد که در هر شعبه بدوی یک رییس حضور دارد.

۲-۵ تبیین حوزه مسئولیت دو گونه محاکم

سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع اختصاصی، مسئولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و اقتصادی را برعهده دارد؛ پیش‌بینی چنین مرجعی تنها مربوط به ایران نبوده و در سایر نظام‌های حقوقی شناخته‌شده دنیا نیز متناسب با تشکیلات قضایی، جایگاه‌های خاصی در کنار دستگاه اجرایی، برای رسیدگی به موارد تخلف از مقررات دولتی پیش‌بینی می‌شود. در واقع اگر تولیدکننده یا عرضه‌کننده‌ای، مقررات قانونی را زیر پا بگذارد، توسط این سازمان با این

تخلفات برخورد خواهد شد. در خصوص سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۶۷ مصوبه‌ای در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و در سال ۱۳۷۳ نیز مصوبه دیگری صلاحیت‌های سازمان تعزیرات حکومتی را تعیین کرد. وی افزود: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز قانون جدیدی است که با اصلاحی در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و این قانون نیز موارد و تغییراتی را در خصوص صلاحیت‌ها و نحوه رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی تعیین کرده است.

به طور کلی قانون تعزیرات حکومتی به این موضوع پرداخته که سازمان تعزیرات حکومتی دارای شعبی است که صلاحیت‌های این سازمان را اعمال کرده و به پرونده‌ها رسیدگی می‌کند. در حقیقت این سازمان خود به طور کلی به امر رسیدگی نمی‌پردازد و بخش‌هایی که صلاحیت این سازمان را اعمال می‌کند، همان شعبی هستند که در ساختار این سازمان پیش‌بینی شده است. البته در ساختار سازمان تعزیرات حکومتی، شعب بدوی و تجدیدنظر وجود دارد که در هر شعبه بدوی یک رییس حضور دارد. در حالی که شعب تجدیدنظر از یک رییس و دو نفر عضو تشکیل می‌شود. با این توضیح که شعب تجدیدنظر با دو نفر رسمیت پیدا می‌کند و در حقیقت، برای رسیدگی و صدور حکم، ملاک، رای و نظر دو نفر موافق است. طبق قانون، سازمان تعزیرات حکومتی به امور مربوط به تخلفات ناظر بر کالا و خدمات رسیدگی می‌کند اعم از اینکه عنوان آن گران‌فروشی، احتکار، کم‌فروشی، عدم صدور فاکتور و عدم درج قیمت باشد. در حقیقت همه تخلفاتی که در کار تولید، توزیع و فروش کالا و خدمات مطرح است، در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی خواهد بود. سازمان تعزیرات حکومتی مرجع رسیدگی به تخلفات ناظر بر کالا و خدمات است. اما آنچه در اینجا اهمیت دارد اینست که آرای که شعب بدوی صادر می‌کنند، تا ۲ میلیون تومان قطعی است و برای مبالغ بالاتر از آن می‌توان تجدیدنظرخواهی کرد.

در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۴ که اساس کار را مشخص کرده، مقرر شده است که رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده‌ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضایی باشد، به اتهامات سایر اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می‌شود. در تبصره این ماده نیز آمده است در صورتی که پس از ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود رسیدگی به جرم ارتكابی در صلاحیت مرجع قضایی است، شعبه مرجوع‌الیه مکلف است بلافاصله قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند و پرونده را به مرجع قضایی ذیصلاح ارسال کند. این قرار پس از تأیید مقام مافوق شعبه در سازمان تعزیرات حکومتی یا در صورت عدم اعلام نظر آن مقام ظرف یک هفته، قطعی است. مقررات این تبصره از شمول ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ مستثنی است.

در این ماده به قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای اشاره شده است، که البته این موضوع بدین معناست که این ماده، قاچاق موردی را شامل نمی‌شود. وی اظهار کرد: در اینجا قانونگذار اعلام کرده است که رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. اما سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز که تخلف محسوب می‌شود در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. در حقیقت قانونگذار مرزی میان قاچاق کالا و ارز بر اساس میزان و نوع مجازات مشخص کرده است. به این اعتبار، اگر مجازات جرمی، حبس و انفصال از خدمت بود، موضوع در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و در غیر این صورت، اگر مجازات آن جریمه نقدی بود، موضوع در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. همانطور که به بستر اصلی بحث رساله حاضر مربوط است در اینجا باید اشاره کنیم که در علم حقوق مراجع را به دو دسته مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی تقسیم می‌کنیم. و اصولاً ما سازمان تعزیرات حکومتی را در دسته مراجع شبه قضایی می‌دانیم همچنین این سازمان زیرمجموعه قوه قضاییه نیست بلکه زیرمجموعه وزارت دادگستری و قوه مجریه است و چون مرجع شبه قضایی است، اصل بر این است که آرای شعب بدوی یا تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی، قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری خواهد بود.

تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر شعبه نسبت به پرونده‌ای که به آن ارجاع شده، با همان شعبه است. همچنین همین شعبه صالح به رسیدگی به تخلفات شرکا و معاونان تخلف صورت‌گرفته است و در صورت وجود تخلفات متعدد از یک نفر، به تمامی آنها، توأمان و یکجا رسیدگی می‌شود. بنابراین، چنانچه شخصی در چند حوزه مرتکب تخلف شود در حوزه‌ای رسیدگی می‌شود که تخلف شدیدتر در حوزه کاری آن صورت گرفته است و اگر تخلفات از یک درجه باشد در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی به پرونده رسیدگی خواهد شد و به مجازات هر یک از عناوین مختلفی که انجام داده است، محکوم خواهد شد. شعب تعزیرات مکلفند متهم را برای حضور در جلسه رسیدگی و ارایه دفاعیات احضار کنند؛ اما در صورتی که متهم با وجود ابلاغ احضاریه، در وقت مقرر در شعبه حضور پیدا نکند، شعبه اقدام به رسیدگی و صدور رای غیابی خواهد کرد. این در حالی است که پیش از جلسه رسیدگی و در صورت وجود شواهد و قراینی که حکایت از توجه اتهام به متهم کند، شعبه رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به وضع متهم یکی از قرارهای کیفری را که حتی الامکان منجر به بازداشت متهم نشود، صادر کند؛ که البته در تمامی مراحل رسیدگی، طرفین پرونده حق استفاده از وکیل را دارند. اما در این صورت زمینه ورود محاکم قضایی نیز به مسئله کاملاً گشوده است. (غازانی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۱۴۳)

فرض کنیم که مسئله احتکار مورد نظر دو محکمه واقع شود و کشف جرم از سوی دو محکمه به وقوع بپیوندد. با توجه به تعریف احتکار در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و نیز ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور رفتار جرم احتکار مشتمل بر «نگهداری» کالا و «امتناع از عرضه» آن است و با تحقق هر دو رفتار احتکار محقق می‌گردد (ساک، ۱۳۹۶: ۲۸۰). به تعبیر دیگر، نگهداری کالا باید حتماً به همراه امتناع از فروش صورت پذیرد. بنابراین، چنانچه کالایی در انبار نگهداری شود لیک فروشنده هر زمان که مورد تقاضای مصرف‌کننده باشد آن را در اختیار خریدار قرار دهد، تخلف احتکار محقق نمی‌گردد (موسوی، ۱۳۹۷: ۷۲). مطابق این تعبیر می‌توان احتکار را مرکب دانست. البته می‌توان به تعبیر دقیق‌تر احتکار را جرم ساده مبتنی بر امتناع از عرضه دانست و بدیهی است شخص زمانی می‌تواند مکلف به عرضه بشود که اساساً کالایی را برای عرضه در اختیار داشته باشد. بر این اساس، می‌توان احتکار را جرمی ساده و مستمر

دانست، بدین معنا که تا زمانی که کالای در اختیار خود را عرضه ننموده ارتکاب جرم استمرار دارد. انحصار احکام احتکار به اقلام خاص نمی‌تواند تأمین‌گر مصالح جامعه در جریان تحولات اجتماع باشد، چراکه نخست، چه بسا تعیین مصادیق خاص در روایات و به تبع آن در احکام فقهی ناظر به مصادیق شمول احتکار در زمان صدور آنها باشد و در شرایط کنونی با توجه به تغییر الگوی مصرف چه بسا احتکار کالاهای مذکور موجب عسر و حرج جامعه نشود و دوم، ممکن است در شرایط کنونی جامعه کالاهای دیگری دارای چنان اهمیتی باشند که احتکار آنها موجب عسر و حرج جامعه گردد و توجه به همین ملاحظات بود که در نظام حقوقی ایران با فاصله چند ماه بعد از تصویب قانون تشدید مجازات محترکان و گران‌فروشان، قانون تعزیرات حکومتی از دیدگاه فقهی دوم تبعیت نموده و احتکار را ناظر به اقلام خاص ندانست. موضوع احتکار در نظام حقوقی ایران مطلق کالا است و شرطی که برای تقیید آن وجود دارد آن است که برای تحقق احتکار ضروری است که ضرورت عرضه آن کالا توسط دولت (به موجب ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی) و یا وزارت صنعت، معدن و تجارت و یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط (به استناد ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور) اعلام شده باشد و تا زمانی که اعلام ضرورت عرضه کالا توسط مراجع مربوط صورت نگرفته است، امکان تحقق احتکار وجود ندارد و همین موضوع می‌تواند دلالتی بر نقش قوه مجریه در جرم‌انگاری احتکار باشد. یکی دیگر از شرایط تحقق احتکار آن است که کالاهای موضوع جرم عمده باشند. این موضوع به صراحت در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور تصریح گردیده و تحقق جرم منوط به «تشخیص مرجع ذی‌صلاح» است. در اینکه منظور از مرجع ذی‌صلاح چه مرجعی است دو احتمال قابل تصور است: نخست آنکه منظور مرجع رسیدگی‌کننده به اتهام است که بر حسب معیارهای عرفی عمده بودن کالا را تشخیص می‌دهد و دوم آنکه منظور همان مرجعی است که ضرورت عرضه کالا را اعلام می‌نماید، اما آنچه می‌تواند موجب شگفتی باشد آن است که حتی با لحاظ مبلغ تعدیل‌شده مذکور در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور، ممکن است که احتکار در خصوص کالاهایی با ارزش تا ۴/۴۹۰/۰۰۰ ریال نیز صدق نماید که در این صورت مرجع رسیدگی به آن شعب تعزیرات حکومتی و در مبالغ بیش از آن در صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی است. (غازانی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۱۴۵)

اما همین جرم قابلیت رسیدگی در محاکم قضایی را نیز پیدا می‌کند. رسیدگی به اعتراض به رای تعزیرات و صدور رأی، پس از استماع دفاعیات متهم خواهد بود. اعتراض به تعزیرات به صورت حضوری یا ارسال لایحه صورت می‌گیرد. در صورتی که متهم پس از اخطار از ناحیه شعبه رسیدگی‌کننده ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه در وقت مقرر حضور نیابد یا لایحه ای ارسال ندارد غیاباً در مورد وی رسیدگی خواهد شد. مطابق ماده ۲۲ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی، اعتراض به تعزیرات شعب بدوی در دعاوی تعزیرات حکومتی در مواردی که مجازات پیش‌بینی شده برای آن در قانون برای هر بار تا یک میلیون ریال جریمه باشد قطعی و از ناحیه محکوم علیه نسبت به مازاد آن قابل تجدیدنظرخواهی است. همچنین تبصره الحاقی ۱۳۷۴/۰۶/۱۱ آیین‌نامه اعتراض به رای تعزیرات مقرر داشته است: «هر گاه محکوم علیه و یا روسای سازمان تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه وزیر دادگستری

تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا رأساً اعتراض به تعزیرات را غیرقانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که در مرکز تشکیل می‌گردد ارجاع خواهد داد. رأی این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدید نظر اعتراض به رأی تعزیرات خواسته نخواهد شد.“

آراء قابل تجدیدنظر در اعتراض به تعزیرات حکومتی با محاکم دادگستری متفاوت است و صرفاً آراء در شعب بدوی تعزیرات حکومتی در خصوص جریمه نقدی اعتراض به تعزیرات قابل تجدیدنظر می‌باشد در سایر موارد از جمله تعطیلی محل کسب، نصب پارچه و قطع سهمیه و... آیین نامه سکوت می‌باشد. در این خصوص دو نظر وجود دارد. عده ای معتقدند با توجه به سکوت آیین نامه و با توجه به اصل بر قطعیت آراء در محاکم عمومی دادگستری صرفاً آراء شعب بدوی در مواردی که مجازات مقرر قانونی بیش از یک میلیون ریال باشد، اعتراض به رأی تعزیرات قابل تجدیدنظر خواهی است. نظر دیگر این است که به جهت رعایت حقوق محکوم علیه و رعایت اصل تفسیر قوانین و مقررات به نفع متهم بهتر است اصل را بر قابل تجدیدنظر بودن آراء قرار دهیم. چرا که در مواردی نصب یک پارچه حتی برای یک روز برای یک کاسب، از مجازات جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال هم شدیدتر است. نحوه اعتراض به رأی تعزیرات حکومتی در دعاوی تعزیرات بدین صورت می‌باشد که الزامی به ابطال تمبر یا پرداخت هزینه تجدیدنظر خواهی نیست و تجدیدنظر خواه می‌تواند اعتراض خود را به صورت یک لایحه یا درخواست بدون رعایت تشریفات مذکور تقدیم کند.

از مصادیق تخلفاتی که در سازمان تعزیرات حکومتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد می‌توان به تخلفاتی اعم از گرانفروشی، احتکار، عدم درج قیمت، نداشتن پرونده، اجرا نکردن تعهدات وارد کنندگان و تولید کنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی و... اشاره نمود. متأسفانه این تخلفات در زمره مواردی هستند که به کرات در جامعه ما به چشم می‌خورند و اکثر مردم به نوعی با آن سر و کار دارند که به تمامی این موارد در قانون سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ پرداخته شده است.

لازم به ذکر است که مطابق با ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارزی که مجازات آن حبس یا انفصال از خدمات دولتی باشد، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. به جز این موارد، سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. بنابراین، حمل و نقل و نگهداری و فروش کالای قاچاق نیز از جمله مواردی است که افراد جامعه می‌توانند درباره آن از طریق سامانه ۱۳۵ اعلام شکایت یا گزارش نمایند.

در قانون فوق‌الذکر، در ارتباط با تمامی تخلفات صنفی که رخ می‌دهد، مجازات‌هایی متناسب با تخلفات حادث گردیده، پیش‌بینی شده است که به نوعی ضمانت اجرای این تخلفات محسوب می‌شوند. ناگفته نماند که گاهی اوقات ممکن است تخلفاتی رخ دهد که لطامت جبران‌ناپذیری را به جامعه و افراد وارد نماید مانند تخلفات بهداشتی و یا دارویی در اینصورت قانونگذار به نحو سختگیرانه تری نسبت به این قبیل جرائم برخورد می‌نماید و ضمانت‌اجراهای

متعددی را اعمال می نماید. هم چنین آیین نامه ها و قوانین خاصی را در این خصوص وضع می نماید. سازمان تعزیرات حکومتی همانگونه که در فوق بدان اشاره گردید، مرجع صالح در رسیدگی به تخلفات فوق الذکر می باشد که دارای شعب متعددی می باشد و هر شعبه به یکسری از جرائم رسیدگی می نماید. نکته قابل ذکر این است که آرای که از شعب سازمان تعزیرات حکومتی صادر میگردد در پاره ای از موارد قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد و در سایر موارد قابلیت اعتراض را دارد.

نکته بسیار مهم در این اصلاحیه این است که صدور حکم قطعی و اجرای آن در موارد جرم‌انگاری شده، به قوه مجریه محول شده است و مواردی که جنبه هشدار داشته است یعنی تذکر، اخطار و اخذ تعهد کتبی کلاً حذف شده و به دولت اختیار داده شده است سازمان و تشکیلات نظارت و بازرسی رسیدگی به صدور حکم، اجرای حکم، تجدید نظر و رسیدگی به شکایات را در آیین‌نامه‌ای که خود تدوین خواهد کرد، پیش‌بینی و تنظیم کند. فراموش نکنیم آنچه در تشکیلات تعزیرات حکومتی انجام می‌شود چیزی جز رسیدگی قضایی نیست. نتیجه اینکه واگذاری کاری که طبع آن قضایی و در بردارنده موارد محدود کننده آزادی اشخاص یا سلب مالکیت و امثال این‌هاست به قوه مجریه با اصول ۵۷ و ۶۱ قانون اساسی در معارضه است و تفکیک قوا را مخدوش می‌کند. اینکه این قانون به تصویب تشخیص مصلحت رسیده، خود حکایت از آن دارد که در مقابل آن مقاومت‌ها و اعتراض‌هایی وجود داشته است. ممکن است شرایط پایان جنگ ایجاد می‌کرد که به طور موقتی تدابیر خاص و به اصطلاح ضربتی (برای کنترل اوضاع) پیش بینی شود، اما اینکه ۲۴ یا ۲۵ سال از پایان جنگ گذشته است، قاعداً باید اوضاعی که تشکیل چنین سازمانی را ایجاد می‌کرد تغییر یافته باشد.

سازمان تعزیرات حکومتی کار قضایی انجام می‌دهد، بدون اینکه افراد متخصص برای این کار داشته باشد، اما در سازمان تعزیرات حکومتی امروز قضاتی حضور دارند و رای قضایی می‌دهند که درس حقوق نخوانده‌اند. اکثر افرادی که در سازمان تعزیرات حکومتی مشغول به کار هستند رشته‌های تحصیلی غیرمرتبط با حقوق دارند اما کار قضایی می‌کنند که این بزرگترین مصیبت برای انجام یک کار حقوقی و دادن رای قضایی است. این ضعف در سازمان تعزیرات حکومتی وجود دارد اما مشکل عظیم‌تر این است که سازمان تعزیرات حکومتی یک نهاد قضایی است اما زیر نظر قوه مجریه عمل می‌کند، بنابراین نمی‌توان در حال حاضر در مورد چگونگی برخورد سازمان تعزیرات با گرانی‌ها صحبت کرد چرا که باید ساختار کلی این سازمان عوض شود و زیر مجموعه قوه قضاییه قرار داشته باشد. بنابراین تا زمانی که ساختار کلی سازمان تعزیرات حکومتی این است، نباید انتظار بیش از این داشت، قوه مجریه کار اجرایی می‌کند و نباید به موضوعات مرتبط با امور قضایی کاری داشته باشد، میتوان گفت چاره‌ای نیست جز اینکه این سازمان به زیر مجموعه قوه قضاییه منتقل شود و زمانی که این سازمان به زیر مجموعه قوه قضاییه منتقل شد آن وقت تمام این مشکلات به صورت اتوماتیک حل خواهد شد. در نتیجه این سازمان عمدتاً به سراغ خرده‌فروشان و کسبه جزء می‌رود و به ندرت پیش می‌آید که بر روی یک تولیدکننده یا یک توزیع کننده عمده که عموماً دولتی هستند تمرکز کنند. لذا با توجه به نوع مجازات‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده و با توجه به ماهیت جرایمی که در این حوزه اتفاق می‌افتد که

اکثراً جنبه اقتصادی دارد، در حوزه اجرایی طبقه‌بندی می‌شود و به نظر می‌رسد زیر نظر قوه مجریه بودن سازمان تعزیرات حکومتی قابل توجیه است؛ ضمن اینکه نظارت به صورت کامل در عملکرد این سازمان وجود دارد و طبق رای وحدت رویه که دیوان عدالت اداری صادر کرده است آرای قطعی سازمان تعزیرات حکومتی قابل اعتراض در دیوان عدالت است.

۳- نتیجه‌گیری

برای رسیدگی به جرایم تعزیری می‌توان هم از طریق دادگاه‌های کیفری اقدام نمود و هم از طریق بازرسی و سپس رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی. پرسش اساسی که تلاش کردیم به پاسخ آن نزدیک شویم یا دست کم ابعاد پرسش را تصریح کنیم این بود که در زمان ایجاد تعارض و تضاد میان این دو ارگان رسمی و قضایی چه باید کرد و اصولاً نهاد رسیدگی‌کننده اصلح به قوانین تعزیراتی کدام یک است. بنابر نتایج این تحقیق میتوان با رویکرد جرم‌شناسانه این مسئله را از هم تفکیک کرد؛ بدین معنا که میتوان جرایمی را که تحت مسئولیت و صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است و در بسیاری موارد جنبه‌های اقتصادی یا صنعت غذا و دارو دارد را از جرایم که درجات آن مربوط به احکام

کیفری محاکم دادگستری است را از هم باز شناخت. بر اساس نتایج بررسی، برای نمونه، از مصادیق تخلفاتی که در سازمان تعزیرات حکومتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد می‌توان به تخلفاتی اعم از گرانفروشی، اختکار، عدم درج قیمت، نداشتن پروانه، اجرا نکردن تعهدات وارد کنندگان و تولید کنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی و ... اشاره نمود. متأسفانه این تخلفات در زمره مواردی هستند که به کرات در جامعه ما به چشم می‌خورند و اکثر مردم به نوعی با آن سر و کار دارند که به تمامی این موارد در قانون سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ پرداخته شده است.

لازم به ذکر است که مطابق با ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارزی که مجازات آن حبس یا انفصال از خدمات دولتی باشد، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. به جز این موارد، سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. بنابراین، حمل و نقل و نگهداری و فروش کالای قاچاق نیز از جمله مواردی است که افراد جامعه می‌توانند درباره آن از طریق سامانه ۱۳۵ اعلام شکایت یا گزارش نمایند. در قانون فوق‌الذکر، در ارتباط با تمامی تخلفات صنفی که رخ می‌دهد، مجازات‌هایی متناسب با تخلفات حادث گردیده، پیش‌بینی شده است که به نوعی ضمانت اجرای این تخلفات محسوب می‌شوند. ناگفته نماند که گاهی اوقات ممکن است تخلفاتی رخ دهد که لطمات جبران‌ناپذیری را به جامعه و افراد وارد نماید مانند تخلفات بهداشتی و یا دارویی در اینصورت قانونگذار به نحو سختگیرانه تری نسبت به این قبیل جرائم برخورد می‌نماید و ضمانت‌اجراهای متعددی را اعمال می‌نماید. هم‌چنین آیین‌نامه‌ها و قوانین خاصی را در این خصوص وضع می‌نماید. سازمان تعزیرات حکومتی بنا بر اقتضانات خاص و به منظور تنظیم روابط اقتصادی شکل گرفته است که در اداره‌ی این سیستم نسبتاً گسترده، مستلزم وجود داشتن یک نظام منظم و جامع دادرسی است تا بتوان نسبت به اجرای درست قوانین و ضوابط حاکم بر این سازمان اقدام نمود. هدف اصلی از تشکیل این سازمان برقراری عدالت قضایی به همراه مبارزه با انواع تخلفات مذکور در قوانین مربوط است. در حقیقت این سازمان فقط برای رسیدگی به جرایم خاص اقتصادی تشکیل گردیده. اصول عام مربوط به تعزیرات حکومتی شامل اصول مربوط به قضات و دستگاه قضایی و اصول مربوط به طرفین دعوا است که هر یک شامل اصول شکلی و ماهوی است. اصول شکلی مرتبط با قضات و دستگاه قضایی شامل اصل قانونی و صالح بودن دادگاه و اصل سری بودن دادرسی می‌باشد و اصول ماهوی نیز شامل اصل استقلال و بیطرفی قضات و دستگاه قضایی است. اصول خاص‌حاکم بر دادرسی تعزیرات حکومتی نیز شامل اصل تخصص، اصل قضا زدایی و کیفر زدایی می‌باشد. اصول حاکم بر دادرسی تعزیرات حکومتی اولاً سبب رونق و تنظیم بازار می‌گردد و به جهت فقدان تشریفات دادرسی، رسیدگی به تخلفات اقتصادی با سرعت و سهولت بیشتری همراه خواهد بود. ثانیاً اصول دادرسی تعزیرات حکومتی اخلاقی در روند اشتغال و کارآفرینی کشور ایجاد نمی‌نماید و تا حد مطلوبی رفاه و توسعه سطح اجتماعی کشور را به همراه خواهد داشت فراهم و ثالثاً هزینه دادرسی به متهمان تعلق نمی‌گیرد و تا حدودی مانع ورشکستگی تجار می‌گردد. ذکر این نکته نیز ضروری است که اصول حاکم بر دادرسی

تعلیرات حكومتی نیازمند اصلاح ساختاری است تا هم راستا با سایر ارگان های مشابه ی قضایی بتواند به ایفای نقش کلیدی بپردازد. در همین راستا انتظار از ارگان های نظارتی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت بیش از پیش احساس می شود تا جایگاه سازمان تعلیرات حكومتی به عنوان یک سازمان حقوقی و یک مرجع دادرسی (نه به غلط نظارتی) هم در اذهان عمومی و هم در ساختار قانونی خود حفظ شود.

منابع

- اصغری، اصغر، ۱۳۷۶، وابستگان حرفه ای قوه قضائیه و مقررات مربوط به تعلیرات حكومتی، مجله كانون دادگستری، شماره ۳، سال دوم، (۶۴ تا ۵۳)
- اعظمی چهاربرج، حسین، بهار ۱۳۹۰، درآمدی بر جایگاه آیین نامه سازمان تعلیرات حكومتی در نظام حقوقی ایران، مجله بررسی های حقوقی، شماره ۱، سال سوم، (۲۲ صفحه- از ۳۲ تا ۵۲)
- ایزدی فرد، علی اکبر، علیزاده، امیرمحمد، ۱۳۹۵، بررسی فقهی احتکار در تجارت الکترونیک، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دوم، (از ۵۳ تا ۸۳)

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، مترجم: حسین خداپرست، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- رحمدل، منصور، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با تکیه بر مصوبه سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۰ علمی-ترویجی، سال دوم، (۲۳ صفحه- از ۱۴۷ تا ۱۶۹)
- رستمی غازانی، امید، ۱۳۹۶، آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، بنیاد حقوقی میزان، تهران
- زاهدی، عاطفه، ۱۳۹۴، مجموعه قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی همراه با قانون تعزیرات حکومتی و آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات جاودانه (جنگل سابق)، تهران
- زینالی، امیرحمزه، احمدی، علی. (۱۳۸۳). سازمان تعزیرات حکومتی؛ از قضا دادایی تا کیفر زدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه دیدگان. مجله حقوقی دادگستری، ۶۸، شماره ۴۹-۴۸، ۲۲۷-۲۴۸.
- سالاریان، جهانبخش، ۱۳۹۸، نظام دادرسی در تعزیرات حکومتی، انتشارات برتر اندیشان، تهران
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۱، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، انتشارات دراک، تهران
- فاطمی، سید مجتبی، ۱۳۹۷، تعزیرات حکومتی و تخلفات اقتصادی، سنجش و دانش، تهران
- فیض الهی، فرهاد توسلی زاده، توران، ۱۳۹۶، بررسی عملکرد سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد با جرایم گرانفروشی، کم فروشی و احتکار، انتشارات قانون یار، تهران
- قاسمی، علی اکبر، ۱۳۹۵، اصول حاکم بردارسی تعزیرات حکومتی و تاثیر آن بر فعالیت های تجاری، انتشارات وارث، تهران
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه ۴ بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- محمد زاده، علی، اعظمی چهاربرج، حسین، ۱۳۹۲، نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی (بدوی - صنفی) (کلیات الی قرارهای تامین)، انتشارات خرسندی، تهران
- محمودی، ژیلا، ۱۳۹۷، محدودیت های قانونی در تعزیرات حکومتی با رویکرد قاچاق بنزین و کالا، انتشارات قانون یار، تهران
- منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی، تهران، نشر سرایی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، بی جا، قم، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق.
- موسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسيله، قم، مؤسسه دارالعلم، چاپ اول. بی تا.
- یعقوبی، عبدالهاشم، ۱۳۷۶، روش رسیدگی عملی به پرونده ها در شعب سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات فردوسی، تهران